

دق مرگ

[مجموعه داستان]

مهدی اصغری ازغدی



۱۳۹۵

سرشناسه:	اصغری ازغدی، مهدی، ۱۳۷۴ -
عنوان و نام پدیدآور:	دق مرگ/ مهدی اصغری ازغدی.
مشخصات نشر:	تهران: افراز، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری:	۱۴۶ص.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۳۲۶-۰۰۹-۲
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
موضوع:	داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۲ ص ۶۲۷۳ / د ۷ PIR ۷۹۵۳
رده‌بندی دیویی:	۸۶۳/۶۲
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی:	۳۱۲۳۳۷۵



انتشارات افراز

دفتر مرکزی و فروش: خیابان دانشگاه، پلاک ۱۲، کوچه دانا، پلاک ۱۲ | تلفن: ۶۶۹۷۷۱۶۶

روز پخش: ۶۶۲۹۰۹۷

فروشگاه: خیابان دانشگاه، مجتمع تجاری دانشگاه، طبقات همکف و طبقه اول | تلفن: ۶۶۹۵۲۸۵۳

وبسایت و فروشگاه اینترنتی: www.afrazbook.com

E-mail: info@afrazbook.com

دق مرگ

مهدی اصغری ازغدی

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۵

طراحی جلد: میثم علیپور/ آتلیه افراز

آرایش صفحات: یاسمین حسداری

لیتوگرافی/ چاپ/ صحافی: ترنج/ تصویر/ یکتافر

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان

تمام حقوق این اثر برای انتشارات افراز محفوظ است.

هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی،

از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیک، فیلم، نمایش و صدا نیست.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

ه مجموعه داستان

مردم چه بگذارم اسم این کاغذ پاره‌ها را... آخر مردم بس که برای تک تک جملاتش جان دادم. چون از تو نوشتن سخت است. آهای... جیگر طلا! با توام مرا که دلم می‌گردد... آخ که جانم درآمد از بس به خودم نارو زدم... از بس خنجر درد را آفریدم به تویم فرو کردم و دوباره درش آوردم... و باز دوباره زدم... آن قدر که دیگر سود بهوش دلت قلب... آن قدر که تکه تکه شده باشد تا بدهم همه یک جرعه از خون آتش بزنی به من تا حال بیان!... من که همه چیزم برای تو است... من که همه‌ی عارم را پای تو گذاشتم تا له‌اش کنی... تا لگد بزنی به همه‌ی بخت و اقبالم که به پای تو بریزم... آخ ای جیگر طلایی که لگد تو با همه‌ی لگدها فرق دارد... لااقل تو هم بی‌خبرشی دل ما یک بار هم که شده دست‌مان را رد نکن... روی ما را زمین نزن و هر یک جرعه را سر بکش... تو را به جان ما قسم! و باز همه‌ی این‌ها را گفتم که یک نیم دق مرگ شدم بس که برایت نوشتم عزیز دل. و وای که چه کیفی دارد دق مرگ شدن برای تو... همین شد که اسمش را گذاشتم: